یادداشت

نوبت ارتقای روابط با مصر است

غفور کریمی
کارشناس مسائل سیاسی

ایران و مصر به عنوان دو کشور موثر و مهم در منطقه خاورمیانه با جمعیت تقریبی ۱۸۰ میلیونی از گذشته‌های دور با همدیگر مراوده‌های سیاسی و اقتصادی فراگیری داشته و در ایجاد صلح و ثبات در جهان اسلام نقش اساسی ایفا کرده‌اند، البته مناسبات دو کشور بعد از وقوع انقلاب اسلامی به تیرگی و قطع کامل روابط دیپلماتیک انجامید. در طول دهه‌های اخیر نیز شاهد افت و خیزهای بسیاری در مناسبات طرفین بوده‌ایم. ایران و مصر در طول حیات سیاسی خود دارای کنش‌های متقابل و پرفراز و نشیب بوده‌اند و از قبل از اسلام باب ارتباط، مراودات و رفت‌وآمدهای تجاری و سیاسی فی‌مابین باز بوده است. در دوره معاصر نیز این روابط برقرار بوده، لکن سیر سینوسی را طی کرده، در برخی مواقع در سطح متعالی و گاه به علت تضاد در سیاست خارجی، روابط دیپلماتیک و سیاسی تیره و تار شده است. از اوایل انقلاب و پیروزی آن در ایران، بین دو دولت تناقضی آشکاری ایجاد شد که این تضاد بـه قطع روابط دیپلماتیک منجر شد. در توصیف و تأویل تضادهای موجود در سیاست خارجی دو کشور بـا عوامل مختلفی روبه رو می‌شویم که در بروز و ظهور مسائل فی‌مابین موثر بوده‌اند. موقعیت جغرافیایی مولفه‌ای بسیار مهمی است، هر دو کشور ایران و مصر دارای موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای هستند و این سبب جلب توجه قدرت‌های بیگانه و کشورهای منطقه و طرح پروژه‌های بلندمدت و کوتاه مدت، جهت هم راستایی با آن کشورها بوده‌اند. از طرفی هر دو آفریننده نهضت‌هایی بوده‌اند که محیط اطراف خود را تحت تأثیر قرار داده‌اند. بی‌شک اهدافی که مصر عملا در سیاست خارجی خود دنبال می کند علنا با اصول و اهداف سیاست خارجی ایران در تضاد است، از آنجا که تجدید روابط با ایران بر روابط این کشورها تأثیرگذار خواهد بود، لذا مصری‌ها ملاحظات سیاسی متعددی در توسعه روابط با ایران دارند. بی تردید دستگاه دیپلماسی مصر مانند هر نظام سیاسی دیگری بسته به نگاه حاکمین، دیدگاه‌های متمایزی نسبت بـه موضوعات مختلف سیاست خارجی دارد، بنابراین اختلافات در مورد رابطه با ایران هم در این باب صدق می کند و بلاشک یکی از دلایل نگرانی دولت مصر از برقراری روابط با ایران، وجود جریانات اسلامی میانه‌رو در این کشور است؛ بنابراین به زعم زعمای سیاسی مصر، حضور جمهوری اسلامی به عنوان نمونه‌ای از یک حکومت دینی در جامعه روشنفکران مذهبی مصر ممکن است پیامدهای پیش‌بینی نشده‌ای برای این کشور داشته باشد. نگاه و رفتار سیاست خارجی مصر نسبت به مسائل منطقه به ویژه رویکرد این کشور برای ایفای نقش میانجی بین کشورهای عربی و اسرائیل و هم پیمانی با ایالات متحده نشان می دهد که مصری‌ها سعی دارند با اتخاذ سیاست‌هایی و عنایت صرف به منافع مادی به هدف خود مبنی بر تبدیل شدن به بازیگر فعال منطقه‌ای عمل کنند. به رغم نگرش‌های متفاوت، گسترش مناسبات مصر و ایران حیاتی و مهم است و چنین گسترشی امکانپذیر است، ولی این موارد جملگی در مرحله اول در گرو رفع موانع، نگرانی‌ها، بی‌اعتمادی‌ها و همچنین ایجاد فضای سیاسی مناسب برای کسب مجدد همدلی است. اگر دولتمردان و سکانداران دستگاه دیپلماسی ایران و مصر تلاش کنند سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود را به یکدیگر نزدیک کنند و در حد توان مولفه‌های منفی آن را کاهش دهند و متقابلاً بر نقاط اشتراک آن بیفزایند، روابط ایران و مصر سیر صعودی در پیش خواهد گرفت و آثار بهینه آن بر منافع ملی هر دو طرف نمایان خواهد شد. حال که ایران و عربستان به توافقی جهت آغاز روابط دیپلماتیک و رفع تنش‌های فی‌مابین دست یافته‌اند، بی‌شک گام بعدی دستگاه دیپلماسی، عادی‌سازی روابط ایران و مصر خواهد بود.

نگاه

رزمایش مرکب دریایی ۲۰۲۳

تمرین مقابله با تحرکات تروریستی

فرمانده نیروی دریایی ارتش با بیان اینکه پایه اصلی رزمایش مرکب دریایی ۲۰۲۳، امنیت دریایی است، گفت: عمده تمرکز ما در روز اول نحوه هماهنگی‌ها، همکاری‌ها، نجات کشتی‌های تحت تهاجم و مقابله با تحرکات تروریستی بوده است. به گزارش فارس، رزمایش مرکب کمربند امنیت دریایی ۲۰۲۳، از ساعات پایانی شب گذشته با حضور یگان‌های سطحی و پروازی نیروهای دریایی ایران، چین و روسیه در منطقه شمال اقیانوس هند آغاز شد. دریادار شهرام ایرانی، فرمانده نیروی دریایی ارتش پیش از ظهر دیروز (جمعه ۲۶ اسفندماه) در ارتباط زنده تلویزیونی با Press Tv درباره رزمایش مرکب دریایی ۲۰۲۳ گفت: پایه اصلی رزمایش مرکب دریایی، امنیت دریایی است و امنیت همه دریانوردان جهان برای ما اهمیت دارد. وی افزود: عمدتا تمرکز ما در روز اول رزمایش مرکب دریایی ۲۰۲۳ روی نحوه هماهنگی‌ها، همکاری‌ها، نجات کشتی‌های تحت تهاجم و مقابله با تحرکات تروریستی بوده است. فرمانده نیروی دریایی ارتش، مقابله با تروریسم دریایی را جزو اهداف رزمایش مرکب دریایی ۲۰۲۳ اعلام کرد و افزود: امروز برخی نیروهای غیرموجه با حضور در منطقه چالش‌هایی را ایجاد کرده‌اند که باید مدیریت و هدایت می‌شد، لذا همه ابزار چه در حوزه شناوری و چه در حوزه پروازی در این راستا به‌کارگیری شد و به میدان آمد و همه تمرینات پیش‌بینی شده با موفقیت انجام شد. دریادار ایرانی با اشاره به راه‌حل اول برای ریشه‌کن کردن نیروهای غیرموجه در منطقه گفت: راه اول، کنار یکدیگر قرار گرفتن کشورهای منطقه در قالب آیونز است که می‌توانند امنیت منطقه و ایمنی دریانوردان را تأمین کنند، چراکه هم دانش و قدرت و هم تجهیزات این کار را دارند. وی افزود: گام دوم، ایجاد ائتلاف توسط کشورهایی است که احترام متقابل را متوجه می‌شود و به منافع یکدیگر احترام می‌گذارند. این کشورها می‌توانند با ایجاد یک ائتلاف منطقه‌ای بر پایه احترام به جامعه بشری به ویژه جامعه دریانوردان در خصوص تامین امنیت منطقه تلاش کنند. به گزارش فارس، رزمایش مرکب کمربند امنیت دریایی ۲۰۲۳ چهارمین رزمایش مرکب دریایی از رزمایش‌های ایران، روسیه و چین است که امسال در حال برگزاری است. البته در این دوره دو کشور قزاقستان و پاکستان نیز به عنوان کشورهای ناظر حضور دارند.

داغ رفتن حسین عبداللهی هنوز تازه است

یک سال گذشت

آرمان ملی: یک سال از خداحافظی‌اش گذشت؛ بهار که نزدیک می‌شود یاد مردی که در بهار به دنیا آمد و در بهار ما را ترک کرد، دل آزار است؛ مردی که با خداحافظی میانه خوبی نداشت اما یکسال پیش رفت. مردی که زندگی خود را وقف آگاه کردن مردم کشورش کرد و در نهایت طاقت نیاورد و رفت. حسین عبداللهی صبح سه‌شنبه ۹ فروردین در سن ۵۱ سالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت. مرحوم عبداللهی که از دهه ۷۰ کار روزنامه‌نگاری را با روزنامه‌های اصلاح‌طلب از جمله روزنامه سلام آغاز کرد و در دهه ۸۰ سردبیر روزنامه «صدای عدالت» بود. او از سال ۸۸ سردبیر و مدیر مسئول روزنامه آرمان امروز و بعد روزنامه آرمان ملی بود. عبداللهی در سال‌های پایانی عمر آیت ا... هاشمی رفسنجانی، مشاور صدیق ایشان بود. مرحوم عبداللهی مصداق بارز یک میانه‌رو بود و هیچگاه اجازه نداد نشریه‌هایی که مدیریت آنها را برعهده داشت، به نفع یک جریان خاص منتشر شود و جریان دیگری را تضعیف کند، چراکه باورش بر این بود که ایران با حضور و وحدت همه جریان‌های داخلی ساخته و آباد می‌شود. دو روزنامه او نام آرمان داشت و آرمان‌هایش در سربلندی مردم و ساخت ایرانی به دور از تفرقه در جهان معنا پیدا می‌کرد. تلاش‌های حسین عبداللهی برای حفظ آرمان‌های امام خمینی(ره) و ترویج آن موضوع پنهانی نبود چنانکه آیت‌ا... سیدحسن خمینی گفت: «ایستادگی بر سر آرمان‌های امام و ارزش‌های انقلاب و نهراسیدن از ملامت‌ها و دشواری‌ها، حسین عبداللهی را در مسیر روزنامه‌نگاری ممتاز کرده بود.» حسین عبداللهی با مردم بود و از درد آنها خبر داشت چنانکه سیدمحمد خاتمی در وصف او نوشت: «حسین عبداللهی، روزنامه‌نگار و نویسنده دردآشنا و متعهد بود و حیف که رفت» حسین انتظامی، معاون اسبق مطبوعاتی وزارت ارشاد وصف زیبایی درباره عبداللهی داشت: «مرد و نامرد. بقیه تقسیم‌بندی‌ها نارساست. حسین عبداللهی مدیر روزنامه آرمان ملی جزو دسته اول بود.»

راه عبداللهی ادامه دارد

و آنچه او ساخت پس از خودش از سوی همسرش دنبال می‌شود. همسری که بیش از همه به عقاید و دیدگاه‌های همسر آشنایی دارد و اجازه نداد چراغ آرمانی که حسین عبداللهی روشن کرده بود، خاموش شود. حسن روحانی هم به بقای آرمان‌های حسین عبداللهی پس از درگذشتش اینگونه اشاره کرده بود: «بی‌شک خدمات ارزنده و ماندگار ایشان در روزنامه‌ای که بوی انصاف، اعتدال و نقد سازنده از آن به مشام می‌رسید، به یادگار خواهد ماند.»

جلال خوش چهره در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

خیلی هیجان‌زده توافق با عربستان را تحلیل نکنیم

- ایران علاقه‌مند به تنش‌زدایی با همسایگان و کشورهای منطقه است
- ایران در کوتاه‌مدت منافعی از توافق نمی‌برد
- زمان تعیین خواهد کرد میانجیگری چین به نتیجه رسیده است یا نه؟
- توافق ایران و عربستان تاثیر مثبتی بر مسائل یمن، سوریه و لبنان خواهد داشت

آرمان ملی - حمید شجاعی: شاید کمتر کسی تصور می‌کرد در شرایطی که جامعه در حوزه داخلی درگیر مسائل اقتصادی و در حوزه سیاست خارجی نیز پیگیر مساله برجام و تحولات آن بود به یک آن خبر توافق ایران و عربستان آن هم در پکن را بشنود؛ توافقی که پس از انعقاد آن بسیاری از آن به عنوان یک بمب خبری یاد کردند و هنوز هم بسیاری از مسائل به ویژه منطقه و شرایط بین‌الملل را تحت تاثیر خود قرار داده است. در این راستا بسیاری بر این باورند که توافق تهران و ریاض تاثیر مثبت و موثری بر بحران‌های منطقه‌ای از جمله بحران یمن و مساله سوریه و حتی لبنان خواهد گذاشت. چه اینکه بسیاری از کشورهای عربی و حتی کشورهای فرامنطقه‌ای از این توافق استقبال کرده‌اند. خود سعودی‌ها نیز از سرمایه گذاری ۲۰میلیاردی در ایران خبر داده‌اند و به نظر می‌رسد که می توان با این توافق به آینده نیز امیدوارتر بود. چنانکه در پی این اتفاق برخی دیگر از کشورهای عرب منطقه همچون امارات و بحرین نیز برای افزایش سطح روابط با کشورمان اعلام آمادگی کرده‌اند و حتی در این بین نام مصر نیز برای احیای روابط به چشم می‌خورد. بر این مبنا بسیاری معتقدند که این روند پیش گرفته که بر مدار عقلانیت و میانه‌روی استوار شده است می توان مذاکرات احیای برجام و رسیدن به توافق را نیز بر همین مدار پی گرفت، اما باید دید رویکردها نسبت به این مساله چگونه پیش خواهد رفت و در سال آینده تحولات حول محور برجام به کجا خواهد انجامید. در این راستا و برای بررسی تحولات پیرامون توافق ایران و عربستان و تاثیرات آن بر منطقه، وضعیت برجام و همچنین احیای روابط با سایر کشورهای منطقه «آرمان ملی» با جلال خوش‌چهره، کارشناس مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

توافق ایران و عربستان و تاثیرات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من معتقدم ما نباید خیلی هیجان‌زده به موضوع طرح عادی‌سازی روابط ایران و عربستان نگاه کنیم یا آن را تفسیر و تحلیل کنیم. این مساله فعلا به عنوان یک ایده است که هر دو طرف در حال ارزیابی آن هستند که قرار است ظرف دو ماه به یک نتیجه برسد. بنابراین ما معمولا عادت داریم قبل از اینکه اتفاقی بیفتد یا در بستر واقعی چیزی شکل بگیرد برای خودمان یک تصوراتی را از آینده تصویر می‌کنیم که بعضا می‌بینیم این تبدیل به یک مطالباتی می‌شود که اگر این ایده و تصورات محقق نشود ما دچار سرخوردگی می‌شویم. ایران و عربستان به هر حال یک تمایلی را نشان داده‌اند با میانجیگری چین برای عادی‌سازی روابط و هر کس از منظر منافع خود به این مساله نگاه می‌کند. لذا قطعا این نیست که اکنون ما با عربستان به عادی‌سازی روابط برسیم صرفا ایران به مطالباتش خواهد رسید. باید دید که چه امتیازاتی نصیب عربستان می‌شود و آیا از امتیازاتی که نصیب عربستان می‌شود برای افکار عمومی ایران قابل قبول است؟ برعکس این موضوع نیز صدق می‌کند و اینکه آیا برای عربستانی‌ها و طرف‌های عربی قابل قبول است یا خیر؟ منافعی که چین از عادی‌سازی روابط ایران و عربستان و تبعا ایران و منطقه بهره‌مند می‌شود کجاست؟ و بعد در یک سیاست کلی‌تر روابط ایران با جامعه جهانی بعد از این اتفاق چگونه خواهد بود. بدیهی است تنش‌زدایی در روابط تهران و ریاض و رفتن به سمت عادی‌سازی یکی از فرصت‌های موقعیت‌سازی است که می‌تواند به اصلاح روابط تنش‌آلود تهران با برخی همسایگان خودش در جنوب خلیج فارس باشد، اما باید نگاه کرد که آیا عوامل تنش‌زا و اختلاف‌زا از بین رفته یا دو طرف چه فرمولی برای رفع این اختلاف‌ها ارائه کرده‌اند. ما شنیده‌ایم که تهران و ریاض توافق کرده‌اند به یک توافق عادی‌سازی روابط برسند، اما هنوز از محتوای این توافق اطلاعی نداریم و هنوز نمی‌بینیم دامنه انعطاف تهران و ریاض در قبال این مساله کجاست و اگر قرار باشد که باز هم میدان این روابط گسترده‌تر شود و حتی این روابط به بحرین و امارات کشیده شود که اکنون در حال انجام مذاکرات هستند باید دید که دامنه آن شامل چه مختصاتی است و قرار است چه چیزی داده و چه چیزی گرفته شود. بعد از آن نیز این مساله که چقدر این روابط الان منوط به متغیرهای بزرگ‌تر مثل برجام، سوئیفت و FATF خواهد بود. آیا در این قضیه که توافقات در حال صورت گرفتن است و قرار است که نتایج و منافع ملموسی هم برای ایران داشته باشد و حتی خود عربستانی‌ها گفته‌اند که در اولین قدم ما تا ۲۰ میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری می‌کنیم با وجود این اختلافات که ایران در زمینه برجام، FATF و سوئیفت دارد ممکن است یا نیست. این مساله را نیز نباید فراموش کرد که ما در وضعیتی به سر می بریم که همه در انتظار مطالباتی که به نتایجی فوری بینجامد نیاز دارند و اگر این نتایج فوری رقم نخورد خب ایران سودی نخواهد برد بلکه شامل یکسری تعهداتی می‌شود که به طرف مقابل داده است. لذا اگر قرار است منافعی هم نصیب ایران شود حداقل در کوتاه مدت پیش چشم نیست.

تهران و ریاض ۵ دور مذاکرات خود را در جهت احیای روابط با میزبانی عراق در بغداد پی گرفتند، اما نتیجه لازم در راستای رسیدن به توافق به دست نیامد؛ اساسا چه اتفاقی رخ داده که با وجود میانجیگری چین آن هم در یک جلسه این توافق میان ایران و عربستان حاصل شده است؟

خب بالاخره چین قدرتی است که نزد تهران و ریاض اعتبار به مراتب بیشتری دارد و از این حیث سرمایه‌گذاری بیشتری در کشورها کرده و در عین حال این را باید در رقابت‌های بین آمریکا و چین در نظر گرفت که به هر حال ریاض با توجه به اینکه از سیاست‌های آمریکا در قبال خاورمیانه به ویژه عربستان سعودی ناراضی بوده و این نارضایتی به ویژه در دولت بایدن برجسته شده به نوعی مانور از طرف ریاض بوده است. ایران نیز طبیعی است که با انتخاب رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی خود روی خوش به چین نشان دهد و بخواهد از این طریق یک مانور قدرتی هم در قبال آمریکا و اروپا داشته باشد و دلسردی خود را در این ارتباط نشان دهد. به همین دلیل این امتیاز را به چینی‌ها دادند که بتوانند میانجیگری موفقی داشته باشند. چه کسی تصور می‌کرد کشوری مانند چین با مختصات ویژه‌اش و در بزنگاهی چنین، مبتکر بازگشت تهران و ریاض به روابط عادی شود! هیچ چیز در عالم سیاست، غریب و ناممکن نیست؛ تنها گذشت زمان و واقعیت‌هایی که خود را بر اراده تصمیم‌سازان تحمیل می‌کند، سبب تغییر در رفتار و حتی نگرش‌هایی می‌شود که پیش از این ناممکن می‌نمود. اما اینکه حال این میانجیگری به نتیجه رسیده است یا نه من پیشنهاد می‌کنم که اجازه دهیم زمان تعیین کننده این موضوع باشد. توافق تهران و ریاض برای عادی‌سازی روابط که با میانجیگری پکن و حمایت طرف‌های آمریکایی - اروپایی و سازمان ملل متحد روبرو شده نیز تابع زمان است. هرچند که به نظر می‌رسد چینی‌ها به دلیل توافق ۲۵ ساله با ایران و قرارداد ۸۱ میلیاردی دلاری با عربستان و دستیابی منافعی از روابط این دو کشور به سمت میانجیگری میان تهران و ریاض رفته‌اند.

> در قضیه عربستان، بحرین و ... که نگاه می‌کنید می‌بینید شورای عالی امنیت ملی به عنوان نماینده نظام وارد گفت‌وگوها می‌شود نه بخشی از یک دولت که ممکن است با تغییر دولت‌ها سیاست‌ها هم تغییر کند. این مساله را باید از جنبه نمادین دید و اینکه علاقه‌مندی تهران را به تعمیق و پایبندی به توافقاتی که در حال انجام است نشان می‌دهد

> چه کسی تصور می‌کرد کشوری مانند چین با مختصات ویژه‌اش و در بزنگاهی چنین، مبتکر بازگشت تهران و ریاض به روابط عادی شود! هیچ چیز در عالم سیاست، غریب و ناممکن نیست؛ تنها گذشت زمان و واقعیت‌هایی که خود را بر اراده تصمیم‌سازان تحمیل می‌کند، سبب تغییر در رفتار و حتی نگرش‌هایی می‌شود که پیش از این ناممکن می‌نمود، اما اینکه حال این میانجیگری به نتیجه رسیده است یا نه من پیشنهاد می‌کنم که اجازه دهیم زمان تعیین کننده این موضوع باشد

از دیدگاه شما چه میزان می توان این برداشت را تقویت کرد که سایر کشورهای عربی حاضر در منطقه که بر مبنای دنباله‌روی از سعودی‌ها روابط خود با تهران را کاهش داده بودند پس از توافق ایران و عربستان به دنبال افزایش مناسبات و روابط باشند؟

بله همانطور که گفتم این مساله خیلی محتمل است. چنانکه قرار است یک هیأت پارلمانی از ایران به بحرین سفر کند و همین اکنون یک هیأت پارلمانی به امارات رفته است. لذا تهران علاقه‌مند به این است که این تنش‌زدایی را داشته باشد و روابط منطقه‌ای خود را با همسایگان عرب خود گسترش دهد، اما همه اینها بستگی به نتیجه عملکرد تهران و ریاض در نزدیکی به عادی‌سازی روابط دارد. همچنین به مساله برجام و همینطور موانعی مثل FATF و سوئیفت که سبب می‌شود که ایران نتواند در اقتصاد جهانی حضور پررنگی داشته باشد. ولی در مجموع اکنون این تمایل به وجود آمده است و باید دید که طرفین می‌توانند از این فرصت، موقعیت سازی کنند یا خیر، اما از هم اکنون نمی توان پیش‌بینی قاطعی داشت.

در خصوص روابط ایران و مصر نیز چنین نظری مانند سایر کشورهای عربی منطقه دارید یا فکر می‌کنید روابط تهران و قاهره شرایط متفاوتی از دیگر کشورها دارد؟

من معتقدم ایران و مصر نیز اکنون یکسری گفت‌وگوها را شروع کرده‌اند و به هر حال مصر بعد از اتفاقاتی که منجر به رفتن محمد مرسی از قدرت و روی کار آمدن عبدالفتاح السیسی شد دوباره رفته رفته دارد جایگاه گذشته خود را پیدا می کند. از طرفی طبیعی است که ایران نمی‌خواهد به خاورمیانه نگاه کند بدون اینکه مصر را در نظر نگیرد. مصری‌ها هم نمی‌توانند روابط با ایران را در نظر نگیرند. هر دو کشور باید به یک توافقاتی برسند، اما این همه به الزاماتی نیاز دارد که باز هم باید دید که چقدر آمادگی لازم در این خصوص وجود دارد که این اقدام به‌وجود آید.

برخی مسائل منطقه‌ای همچون بحران یمن، مساله سوریه و... جزء مسائلی بوده که همواره محل چالش در منطقه بوده است؛ حال با توافق تهران و ریاض چه میزان می‌توان به حل و فصل این مسائل و ایجاد ثبات و آرامش در منطقه امیدوار بود؟

به نظر من یمن، سوریه، لبنان و... زیر سایه اختلافات قدرت‌های اصلی منطقه‌ای قرار داشتند. لذا طبیعی است که اگر قرار باشد که روابط به سمت عادی شدن برود تاثیرات مثبت خود را روی تحولات منطقه خواهد گذاشت. در نتیجه من معتقدم که همه این مسائل بستگی به موفقیت عادی‌سازی روند روابط ایران و عربستان دارد که همین‌ها زمینه‌های رقابت و حتی تنش در روابط دو طرف بوده طبیعی است که عادی‌سازی روابط می‌تواند به این تنش‌زدایی بینجامد.

در ماجرای توافق ایران و عربستان و حضور آقای شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در نقش مذاکره کننده برخی معتقدند که گویا پرونده‌های کلان به شورای عالی امنیت ملی ارجاع شده؛ تحلیل شما از این جایگزینی در مذاکرات چگونه است؟

من جایگزینی نمی‌بینم و به نظرم این مساله یک حرکت نمادین برای ایجاد اعتماد و اعتمادزایی نزد طرف مقابل است. شما نگاه کنید آقای رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که به تهران می‌آید طرف اصلی گفت‌وگو هایش آقای رئیسی و آقای امیر عبداللهیان است. یعنی در مذاکرات خود می‌گوید که من تعهدات مطمئن می‌خواهم. در قضیه عربستان، بحرین و ... که نگاه می‌کنید می‌بینید شورای عالی امنیت ملی به عنوان نماینده نظام وارد گفت‌وگوها می‌شود نه بخشی از یک دولت که ممکن است با تغییر دولت‌ها سیاست‌ها هم تغییر کند. این مساله را باید از جنبه نمادین دید و اینکه علاقه‌مندی تهران را به تعمیق و پایبندی به توافقاتی که در حال انجام است نشان می‌دهد.

آیا می‌توان در حوزه مذاکرات برجام نیز شاهد تکرار همین روند باشیم؟

به نظر من در حوزه برجام نیز روند امور به همین سمت خواهد رفت. صحبت‌های آقای گروسی نشان دهنده همین مساله است. البته نه اینکه مشخصا آقای شمخانی برای مذاکرات برود بلکه وزیر خارجه و تیم [illegible]

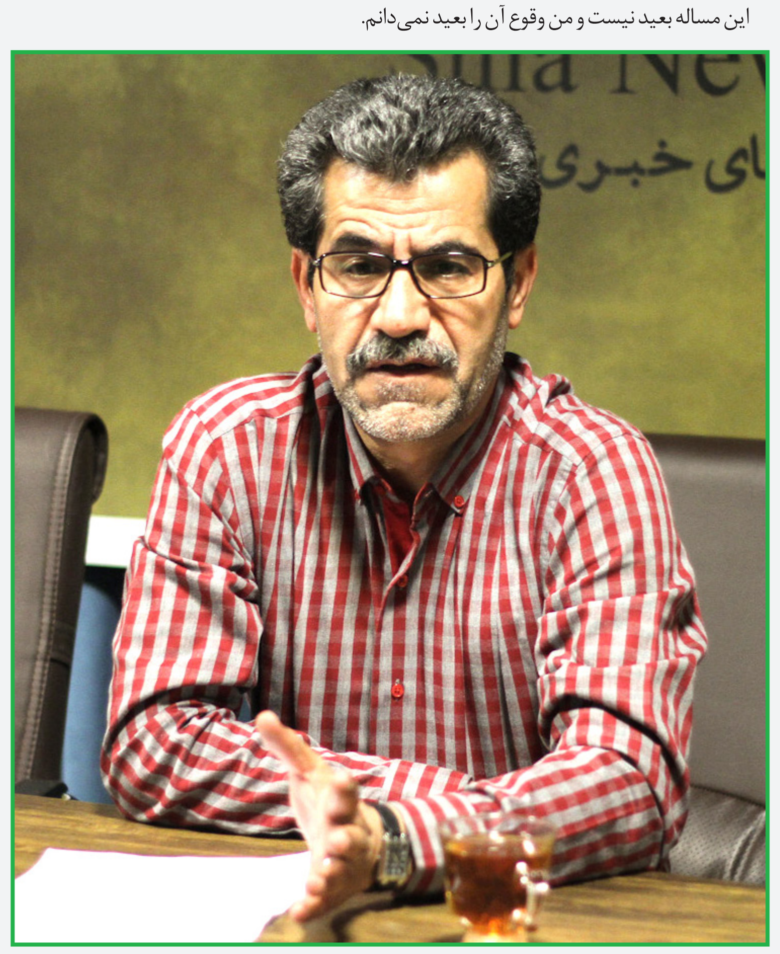

بایکوت مراسم سالگرد یادگار امام در صداوسیما

بزرگداشت مردی که امین امام(ره) و حبیب مردم بود

انصاری: حاج احمدآقا اهل کینه، خودخواهی، تکبر و غرور نبود

آرمان ملی: سیداحمد مصطفوی معروف به سیداحمد خمینی، دومین پسر امام خمینی(ره) بود که در سال‌های پیش و پس از انقلاب در سازماندهی روابط پدرش با مسئولان نقش مهمی داشت. او نیز نماینده دوره دوم در مجلس خبرگان رهبری، عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی بود. مراسم بزرگداشت چهاردهمین سالگرد رحلت همسر گرامی امام خمینی(ره) و بیست‌وهشتمین سالگرد ارتحال حاج سید احمد خمینی با حضور اعضای بیت و یادگار امام، جمعی از روحانیون، مقامات کشوری و لشکری و دوستداران امام راحل (ره) در حرم مطهر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران برگزار شد.

ویژگی‌های سیداحمد آقا به روایت انصاری

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی انصاری در این مراسم گفت: گرچه من معتقدم کسی که وابسته امام باشد، تنها این نسبت از همه ارزش‌هایی که در جامعه ما فضیلت محسوب می‌شود، بالاتر است. وی «مدیریت» یادگار امام را ویژگی ایشان دانست و اظهار داشت: من و امثال من هرچه بگوییم از ظرافت‌های مدیریت یادگار امام کم گفته‌ایم. باید بگوییم سال ۵۶ مهم‌ترین و سخت‌ترین دوران حضور حضرت امام در عراق بود. تصمیم‌گیری در خصوص اینکه امام بعد از عراق به کجا برود، خیال می کنید برعهده چه کسانی بوده است؟ بعضی از تاریخ‌نویسان گفته‌اند ما به امام پیشنهاد داده‌ایم که به فرانسه بروید؛ از نکات خاصی که خود امام جواب داده که تاریخ را تحریف نکنند. خود امام جواب داده در رفتن به پاریس و فرانسه، احمد به من پیشنهاد داد. وی با اشاره به اینکه طرف مشورت اصلی امام، یادگار امام بود، افزود: مرحوم آقای دعایی در خاطراتش می گوید حتی لیست کسانی که قرار بود سوار هواپیمای امام شوند، کسانی که باید در ردیف‌های اول و دوم باشند، امام با چه کسانی باید از پلکان هواپیما پایین بیاید و چه کسی باید به استقبال امام برود را مرحوم حاج احمد بدون رودربایستی روی کاغذ نوشته بود و با صراحت اعلام می کرد. حالا انسان می‌فهمد تیزبینی این مرد بزرگ تا کجا ادامه دارد که اگر یک حرکت ناشایسته در این مسیر پرواز اتفاق بیفتد، چه تحلیل‌ها راجع به آن می‌شد؟ انصاری تأکید کرد: به نظر من چیزی که برای همه مسئولین درس‌آموز هست، مدیریت ایشان در دوران پیاده شدن امام از هواپیما تا زمانی است که رحلت کردند. امام باید به تمام زوایای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، مردمی و اعتقادی این کشور احاطه داشته باشد؛ به نظر شما این بار مسئولیت در خانه جماران و آن دفتر کوچک می گنجد؟! یادگار امام نمی گوید این خانه کوچک به درد دفتر نمی‌خورد و اینجا قابل مدیریت نیست؛ سعی می کند مدیریت این دفتر را کیفیت‌گرا برگزار کند. وی با اشاره به اهمیت حفاظت فیزیکی از جان امام، افزود: بنده این را با قاطعیت می گویم که پاک‌ترین و سالم‌ترین دفتر و مدیریتی که هیچ عنصر نفوذی و باطلی تا روز آخر نتوانست در آنجا جا پیدا کند، دفتر امام بود. کسی می‌تواند باور کند کسانی که اینقدر کینه داشتند برای نفوذ در دفتر امام برنامه‌ریزی نکرده باشند؟! من خودم باور نمی کردم که قضیه کشمیری با این جدیّت باشد. یادگار امام در مصاحبه‌ای می گوید به من اطلاع دادند یک کسی به نام کشمیری با یک کیف آمده و می گوید من می‌خواهم بدون بازرسی به بالا بروم. ایشان می گوید بارها با من تماس گرفتند و گفتند می گوید اگر راه ندهید من برمی گردم؛ من با قاطعیت گفتم باید بازرسی شود. انصاری با اشاره به ارتباط گسترده یادگار امام با همه طیف‌ها و مردم، گفت: امام خیلی احترام به خانواده و همسر داشت و خیلی شخصیت زن را والا و بالا می‌دید. به نظر می‌رسید همیشه در نگاه امام زن و همسر ایشان یک شخصیت استثنایی است. همسر امام انسان کمی نبود و تأمین خواسته‌ها و تکریم و احترام این شخصیت واقعا یک هنر می‌خواست؛ و این بار مسئولیت تا زمان ارتحال امام و بعد از آن تا دوران حیات یادگار امام همچنان پا بر جا بود. یادگار امام بعد از هر سفر اول به امام، دوم به همسر امام و سوم به زندگی خودش سر می‌زد. وی اظهار داشت: کسانی می گفتند ما با حاج احمد آقا زاویه داریم اما خدا می‌داند در مشکلات اولین کسی که به سراغ آنها می‌رفت و از آنها دستگیری می کرد، یادگار امام بود. اصلا اهل کینه، خودخواهی، تکبر و غرور نبود و هرجا احساس می کرد یک کسی از او دلگیر است، به سرعت دلگیری او را برطرف می‌کرد. این نوع اخلاق در مکتب امام تربیت شده است؛ اینها را باید در جامعه برجسته کرد و باید گفت این حقی است که یادگار امام به گردن این ملت دارد. انصاری یادآور شد: کدام یک از ارکان نظام ما هستند که بگویند یادگار امام در تأسیس، بقا، حمایت و پشتیبانی از آنها کمترین بی مهری داشته باشد. این اشکال نیست که در کنار امام یک نهالی آنقدر تناور شود؟! همه ما به یادگار امام می گوییم شما زود از دنیا رفتید، اما من از طرف خودم و همه مردم می گویم هر عزتی که ما داریم و هر برکتی که در تحت ظل نام امام نصیب این ملت شده، شما سهیم هستید و ما قدرشناس هستیم. وی تأکید کرد: گذشته تاریخ را تکرار نکنیم و ادامه ندهیم که دودمان امام یعنی منسوبین امام، و دیگر بیشتر از این فضیلتی نیست. اگر یکی از یادگاران امام ۲۰ سال در حوزه درس می‌خواند و مجتهد مسلم در علوم سیاسی، فقهی، فلسفی، دینی و اجتماعی و صاحب اندیشه بلند و والاست، بعد از ۲۰ سال قضاوت ما این باشد که غیر از انتساب باید چه چیز دیگری را بررسی کنیم. شما جاهل و بیگانه از مکتب امام هستید؟! شما دچار فراموشی سیاسی شده‌اید؟!

صداوسیما باز هم بایکوت کرد

در حالی که مراسم بیست وهشتمین سالگرد رحلت یادگار امام و چهاردهمین سالگرد همسر امام(ره) شب گذشته در حرم مطهر امام خمینی(ره) با حضور اقشار مختلف و اعضای بیت امام(ره) برگزار شد، این مراسم همچون اکثر سال‌های اخیر با بایکوت صداوسیما مواجه شد. این در حالی است که از چندروز قبل، برگزاری این مراسم اطلاع رسانی شده بود، اما صداوسیما از اعزام تیم خبری و پوشش مراسم خودداری کرد. چنین رویکردی اگرچه مسبوق به سابقه است، اما کماکان سوال برانگیز است. با توجه به اینکه جلسات خیلی معمولی‌تر از مراسم یاد شده، در اخبار سراسری بازتاب می‌یابد؛ مشخص نیست سیاست‌های خبری صداوسیما بر چه اساسی تدوین و تنظیم می‌شود و ملاک‌های این رسانه برای تعیین ارزش خبری مراسم و مجالس مختلف چیست؟

نگره

«آلزایمر سیاسی مصلحتی» برای تسویه حساب جناحی

توافق اخیر ایران و عربستان سعودی با وساطت چین محل بحث‌های تازه‌ای شده و اگرچه در مجموع مورد استقبال قرار گرفته، اما برخی نواصولگرایان تندرو که حامی حمله به سفارت سعودی در دی ۱۳۹۴ و هوادار قطع روابط با سعودی بودند حال در موضعی طلبکارانه برای آنکه حامیان را قانع کنند به سیاست‌های تنش‌زدایی در دولت‌های اعتدال و اصلاحات حمله می کنند حال آن که اتفاقا در توافق قرار بر بازگشت به تفاهم ۱۳۷۷ و ۱۳۸۰ است. در تازه‌ترین مورد آقای خانعلی‌زاده (مجری برنامه) در تلویزیون گفته است: «ما با دو مدل دیپلماسی رو به رو هستیم. یکی دیپلماسی زانو زدن دکتر محمدجواد ظریف در مقابل برخی سران کشورهای حاشیه خلیج فارس و دیگری دیپلماسی میدانی شهید قاسم سلیمانی که عربستان سعودی را وادار می کند از چین بخواهد واسطه برقراری رابطه مجدد با جمهوری اسلامی شود.» هر چند می‌توان یادآور شد که پروژه را شورای عالی امنیت ملی پیگیری کرده و دریابان علی شمخانی در دولت قبل هم واجد همین سمت دبیری بوده و جواد ظریف را باید با همتای او در دولت فعلی مقایسه کرد. همچنین می‌توان پرسید تفاسیری از این دست آن هم از رسانه رسمی چگونه با منافع ملی سازگار است و چنانچه طرف‌های عربستانی رصد کنند به مصلحت است یا نه؟ از این رو جا دارد بار دیگر داستان زانو زدن را یادآور شویم تا بدانیم از چه قرار بوده است. نخست بی‌مناسبت نیست که بخشی را از آنچه در مرداد ماه آورده بودیم و نقدی بود بر برنامه‌ای در همین شبکه سه نقل کنیم: در مرداد ماه و در برنامه «سیاست خارجی» که به حاشیه‌های اجلاس سران ایران و روسیه و ترکیه درباره سوریه در تهران اختصاص داشت توییت یک فعال رسانه‌ای را نقد کردند چون به حرکت خودروهای روسی به عنوان کاروان مراقبان و محافظان و گارد پوتین در تهران طعنه زده بود که «تهران در شهریور ۱۳۲۰ هم این گونه اشغال نشده بود!» آن زمان گفتیم این تعبیر پسندیده نیست، چراکه پس از تجاوز روسیه به اوکراین، ولادیمیر پوتین طبعا هدف اقدامات تروریستی است و مراقبت از جان او بسیار افزایش یافته و تهران به عنوان میزبان هم باید این ملاحظات را در نظر داشته باشد و انتظار مهمان نیز جز این نبوده و پروتکل‌ها یا شرایط خود را دارند اگرچه توی ذوق هم زده و آن یکی - اردوغان - هم کم دشمن ندارد. ضمن اینکه همزمانی سفر با حضور جو بایدن در منطقه - ولو به خاطر انزوای پوتین پس از حمله به اوکراین باشد - حایز اهمیت و واجد ارزش‌های بالای خبری بود.

از دست دادن با صدام تا هم سطح نشستن با امیر کویت

اینکه فیل مجری؛ امیرحسین طهماسبی - ناگهان یاد هندوستان کرد و گفت: «دوستان آقای ظریف یادشان رفته که او در مقابل امیر کویت زانو زد و آن تحقیر ملی را رقم زد؟ حال که دوباره داستان زانو زدن را پیش کشیده‌اند می‌توان همان توضیحات را آورد. در عرف دیپلماتیک وقتی مقام بالاتر (از حیث همتایی) در حالت نشسته باشد، مقام پایین‌تر جلوی او ناگزیر است هم سطح شود. مراد از بالا و پایین جایگاه دو کشور نیست و در عرف دیپلماتیک، وزیر خارجه یک کشور از امیر یا پادشاه یا رییس جمهوری کشور دیگر پایین‌تر است. ولو یکی وزیر خارجه آمریکا باشد و آن طرف رئیس جمهور ماداگاسکار! ضمن اینکه بحث سن و سال و سابقه و مسلمانی هم هست. در عرف مسلمانی احترام و ادب به بزرگ‌تر لازم است. اعراب غالبا آرام و شمرده صحبت می کنند و با آنان باید در آرامش سخن گفت. خاصه اگر شخص در سن بالا باشد به سبب ثقل سامعه هم می‌تواند باشد. آن زمان آوردیم که مجری جوری از امیر کویت سخن می گوید که یادش رفته یا اصلا به خاطر سن و سال نداند دکتر علیرضا مرندی بعد از جنگ و در دولت هاشمی رفسنجانی به عراق رفت تا صدام حسین را که هزارهزار بار آرزوی مرگ و سقوط او را کرده بودیم برای شرکت در اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی به تهران دعوت کند و در بغداد با صدام دیدار کرد و با او دست هم داد (همان اجلاس که بعد از آن دولت و پایان وزارت مرندی و در پاییز ۷۶ در دوره خاتمی برگزار شد؛ صدام حسین البته نیامد وگرنه عکس خاتمی با صدام هم، داستان می‌شد.) دکتر مرندی هم البته فداکاری کرده بود که چنین مأموریتی را پذیرفت کما این‌که بعدتر برخی بر او خشم گرفتند و گفتند دیدار و دست دادن را هم توجیه کنیم لبخند، دیگر چرا؟! درباره دیدار و دعوت حضوری اما چه باید می کرد؟ وقتی جنگ تمام شده و وزیران وقت هر یک حامل پیام دعوت از یکی از سران به تهران بود - و عراق هم مستثنا نبود - گریزی جز این نداشت. منطق‌شان را تماشا کنیم و لذت ببریم! لبخند دکتر مرندی و دست‌دادن ناگزیر وزیر بهداری (بهداشت) با جرثومه نکبت و فساد ایراد نداشته ولی نشستن هم‌سطح وزیر خارجه با امیر کویت تحقیر ملی است؟!

نشستن مرسوم

جدای اینها امیر کویت مانند سعودالفیصل سعودی از وزیران خارجه پرسابقه جهان بود و ۲۸ سال در جایگاه وزیر خارجه کویت فعالیت کرد و بر اساس سابقه هم احترام می‌گذارند همچنان که سفیران مقیم ایران همواره احترام صلاح زواوی سفیر پرسابقه فلسطین را نگاه می‌داشتند که البته به لحاظ خُلق و خوی شخصی او هم بود. در پارلمان ایران قبل از ساختمان کنونی بهارستان که وسیع است و تا مجلس ششم هم این گونه نشستن مرسوم بود و گویاترین تصویر مربوط به آقای حداد عادل کنار آقای خاتمی رئیس جمهور وقت است. چون حالت دیگری متصور نیست. نه می‌توان وقتی رییس جمهور نشسته ایستاد چه بسا سخنان همدیگر را متوجه نشوند و نه می‌توان از مقام بالاتر و نشسته خواست او هم برخیزد و بایستد. بنابراین می‌نشینند تا هم‌سطح شوند. با این حساب لابد آقای حداد هم با این نوع نشستن و گفت‌وگو کل اصولگرایان را تحقیر کرد. در حالی که شکلی کاملا مرسوم بوده و غیر این شگفت‌آور بود.